

نار ال

رودان ه داری ساکی این اس این سا این سا این سا

بعد وموقع من المستد على التوا من التا ومن الوق العني المستد على التوا من الدات الدائلة ، والإنامة بالمردن الشائد المن الرائد المورسين إلى المردن الشائد المن الرائد المردن المراسين العنم إلى المائد المائد المائد المائدة ال

ایسود کامل در دور داران روزی مسلمی از باکر ناسوند رصناحات خودیا شهرید روزی در می ترویدیای در نشده از داران بیا در وی دوری شهر در داران با در وی داران بیا در بهید شود از این داران با در وی این است بیا در نیزه در این داران بیا در وی داران است. است این شهراز داران استان داران این میشود از داران

- ۱۳۵۰ آرانصور ۱۰ آزاد بورتوش پاتیمیا بعد آب مارمام ۱۰ دارک افز افزره از حال با بود بعثم _ کما آنداز آن بعد کار افزاد افزاد ا

رفت وروم فی در سنگرات آمونست باشاه ، ومی بیشت بر خود درین افدام این از آب ، موار آب دادا در بیشتر افزار میشتر از آب ۲۰۰۰



es mansage

المنظور الوقاف المنظم المنظور الوقاف المنظم المنظور المنظم المنظم

س الموجود وهي بينان وكان من الراضع أنه . فقد ومنا راضا - امتضالاً بينها وقد . يعرف ول بين

The state of the s

مالدي مي د مار د الي الامر طي ايال ۲

المراجعة الإنجاب المراجعة والمراجعة المراجعة ال

د خاند که نظر میردد تورف شدید. طر دارد باشدندی شدیدیون میرد. واگر اماما او کر میجه اینا درامی از فاهد میر دارند و ویستر مداکل دادارشد و میشاند.

محل الدور مها مرحل الشدائل ما إنكور الله الاحراف ال المحمد الرجل الراقق - الراقاف الرحل من إسالا بالراق خاصة الراقاف المرحل الراقاف المحافظة المحا

هد دور افره) مادیه از افق رامج وه

ال - العربات وفي ا

produced institutions

و وو پیداد خدید ، دیمز بنجار بر تیز ایس آرامترا ده ، وکامداد الترمیل آن بسخوا که کامالرد ا

البدر فرمان و هذا المواجد . الد ما المعين و البادد : (م) الفر هذا الله من الله من الماد المرادد (م) المواجد (م) . المراد المهمان المرادد () المعراضوات)

تونسم برغ می فیلمده دانندس فل وحت و افا مخوص : عندما سنده به ترین باب شک له اسامه حیاسه و توخی د عواقد تشکی ادامه ، و مهستنظ





PLY

ر به مع الهائلة القارطان والمعاولة والمائلة المراقبة المائلة المائلة المائلة المائلة المائلة المائلة المائلة ا التي منا قارط عند وقد أنا المائلة - معيد المائلة المائلة - معيد المائلة المائلة - معيد المائلة المائلة المائلة إن مائلة إلى أن قائلة - فقط أن أراض المائلة الم

ر ملقر الرام المرا الرام. - ملقر الرام الـ المراد لوجر ا حرام بعرد والمكار لقوم الارامة

ق) رامور از می ویز ایامی مجامی شد: زیادی کند _ عربانیک اور کندیافت و صوران بر بادین که اس - دراست کا مراک و از دانا بالقدرج اگر إمكين فدوير الموا درماند دانا بري ادامرو الفار آرفاه به ريفا راهم دامرانا از وال از العملان از الدانام ايدارات مدانم و مرازان الا no species of the second

مرم ۱۳۰۰ مرازیونو اطلاد راصد میجادی معاطر افزاد و درمادد

سر پاسر د سدود دن همو زیر قاطنا و سفت در آب فرن دان ؟ آزار اصر بران پیش وقل در مردان که آزارتک داور

يسم - ما ۱۰ اسب اصر اسام اما واق - ان ميد مراسع ادارات دو تولي چين ادائل ارد ، سيارات مرکز رخيري مراه مکام اصد از ارائد بلت برافرسوا اناد داداد داداد ، ما داداد ما داداد

و معادد خصر و او المحالة برسو المكار في المعال . الرابعات المحالة المحالة المحالة المحالة في المعال .

د المارك و الراب ، رط خدد الرجائل ، د القرار الراب ، الدخل و إلى كرس ، د القبيا مرة الله ، بيان القرار إلى كرس ، د القبيا مرة الله ، بيان القارة له سط رو و الافرار إلى بالقرار القرارة الشراسات مين مراكد فالمادار الما وقت القم يورين

سرما بوطلانک دیل ۱۳۹۱ ایلان شرکت برما بوطلانک دیل ۱۳۹۱ ایلان توسعه استان دیل دیلون بولیون دیل بود

ارائنسه استثمار قرار توانی ویون این پس این از اعدادی اسرای کهای مترسد سخاطی استگیب این تونیون مشارش داد از دادی انتخابی این این این این این این این این در میآی از دادی

11 230 300 1

النب المنافق الذيارة ما المنافقة الأواماة ا

_ والم الاستندو الارخاء (بالكر الداري للطر على الاراكي اللياسية الكرامات الداريات المالية الداري والارسان واللها والإحادة (المراسات الم

... ليمو قدد لكن وطيعًا

.

امر ۱ رماز بدر اعلا رماد ادر ارمان رماد ادر از راز ادامت ، بور بعد رماد ادر از راز ادامت ، بور بعد

یه سره خطر ۱۰ برم بعض ۱۰ برمز (ر افتاد طرام کیر شر ر افزماد ر افتار اسط

رز دخل وحدد از الفداد من الله القيمان المرزد المسر (الل) دوم وقرار ... الله الاستان على أكار مهرانا مي منطق حارا ... الما الاستان الماد على أكار مهرانا مي منطق حارا ...

المادين المادين وم باز ماطا المادينا من الرباد وم باز ماطا

...

والعيام سديندان المالة من حدولتندات د المالغة أ

51 35 1 mm

ام الفقد من حيد طرية الواوالواطان الآلاة القليمة إ من القياد و القليم المطلها من ياد الدائلة و الأ من القياد المراضح بطائح القاء والمراضعة والقليم مناطأ القليمة المراضة ؟ مناطأ القليمة المراضة ؟

، مل حيد مادرة فق مدر اختراب ديد ، وأفاة عان الميطرة ع د النديد ، وحدب فيالارم يداران باطا مكها ا

1,3614,3449

.

- selfunda make place

ریر میزد . وسرب اداریزا در فیار آب می اهم ادامه . رام بطح تکر براه میزان هدد بری وسی هم رکز ایرا شام کا

... £.



حدر معرز فرسه و عقد سکید ، وراح وفار ق مع ، قال آن پشترو فل ... های زمین شخص مد پشاکید ، مود کنند. وفار

د است افر (الا برادیات اسم حرر افزود) کا و روز بارار ا به الوحد العلم بعد با العام دور ازاد ا الباد (الا با حداث السب حرار الا با العدم حرار ال حاصا علیات العام العام بارا العدم بعاد (الرا) ، وقع بعد له قول ا العدم المساحد و الراح المحاصر الوحد الموار المحاصر العدم المساحد و الراحان ، واحد بلاده الوحد المحاصر العدم المساحد المحاصر الراحة إلى محاصد الا

. . .



والمرادية والمرادي والرادية

پائید مثل نشد تشدها قید متر و ترماد و دوم آوازی هم و این توجد) پائید روید و ترمی اردو اعظام ، داش رمنط روید روید و این و بازی آماد و این مدد و دوما

خابت دار و الزماد رسل الها و الا الدار و الزماد معت دار و بليك أنه علا خاصه رم وازار بدار الزمار و الدار إلى را حي فائل ماره كسا م دار و القام ارام الرساس

- معاوم دالله رادی ادامالمیاف ادامه این بامرینیانگلب . دوآن ، وافقادی هم و افزداد : حطا

د کارد گرای ماکند حقی پارد میر و فرماد) خطه ار صحب و از فیمو د دادگذا

روادی دا مره مارک حال رمزوران دا مراکز مارکز مارکز رواد

سامهو فرنانهمتن الموروزي ، وهر تكب والارتاب طبال د - فران فرنسي الرنانية المعامية

هود ، فل من الرسور فرنده رساط البطا عليه موجه فردنا ريك ، ولا ستر مراجع الأقراضات المراز بازيا رايل ، ، (احداث ما ارتحاز إحياز الأصال المال ، ومرازل لا مرا

....

خو مدفقا - ۲ غرومید

قال مادر و الأوماة و الداول - تو يعدر فرمال لهدا بعلب كل كركاب (الل) . استعباد الطواطقة و وتوراعه ادافرام المدود مو الدوار الرائد) . خدامادو (امر أمراد

14641630,0

47

to distribute to the

الاراش: رجاد فرية : ا

per julik i Tija Tiej Andre Tijan Ingle we'r plike julik ::: Kway i gapir pani

رمایت تاریخ اصداد برمایت به استان ۱۳ تا تام و برای مارد داشت ادیانات ورد را تا و با اور افغان مدین فوق باسانه کار انس

يير وليكو - عالم الإسمال والملازم عيد الالتاما الإراد أحدال الإراد

و خدو بر مهدی های این او د آما از کار د مرکز انگراب ، وطها او از حل ۱۹۹۰

...

اراست حق دهی ترمز ایست، حف ، دومین رما - رمز بامر ال (دمر سفره ۱۹۵۰) ب حمید بازیشد و اساس از که رایل را در داخل اسم - پس پیماره از حار در ام حمران کارید، اکالیلم بازی







ودور برستونکه بارده مستولا اراضی دراک دراک دارگرد از ارکاد اکاد کاری ا

فرمندر واقبل بالمحرصة إيروانظرمه بعدالاكتم من شهدا وياح فالد مصميا ولمساق إسلام، على فيهرالوكا والصوار محرد، وهو فارك - أنكاف الله كاف الإفراط مراد المهم السا فا كانت لمراسم إلان ال

صعرت در انتها دکتر جهدا فاقدیا ، اسطود کر - وستنی آکند تر ترین پرخان اثر تدیده داک آندا ، و کالا فردهدد ، وستان ما قرب در حار تامید و کالا فردهدد ، وستان ما قرب در حار تامید سام معرو الأسامر و الرسام سام الكيم المجمول والمرام المام المرام المرام

۱۰۰۰ امارات بازی به کرها اوقت و پیکان امار در کل وارخ د دادیمشرستان خطر داند تشک روسه امارات در اردن و در از در محرق قورت است دراد رادن و در از در محرق قورت بسیان شرا در واقعی در

85

ق است. -- ماکایی د دار اهم والدی دولی سام دورجا حک ملت مر روحها و کار روحان بیستر دان داند

ومل دول منطق و منطق المنطق المنطقة ال

ر راحل اور بعد دران دران شدارب راحدران و مداند .

way the property and the control of the control of

ما الترف ومراماته عاصر إلى المغرول في والشار الأرامة الله القرام والله الناص التي الإرسامة ويه الإنامار والاستار من الله الاناء عمل الأرا

ران مرمان بعدا کرامیة اعلان که در نص (ادارا) و و و مرادا اکارد راکناد داشم داشم داشم ب میدای اکس در میدای دادا از ۱۵ کار و ما در کار ۱۵ کار با در ادارا

TOUR OF WOODS

3.1

· Grahamatraj rijudijale.

به تقدره اتنام بهدال کان ۱۹۵۳ تا اطار معترف راکست میدا و زانون و کار واقع و دانون ، به دو از آن راکاچ دکاری این را برای داد استان میشود کان

من مراب و و هاي الدرائي الوقوة المناس وي خلاف بداخ الى ، اللحب بالمحال و الطلع بر غيره اليام عالي فسيلة ، أغير الموال الوالي المرابع المرابع

> راي فاتر اعتاد أحداثها والذاب مرأد متلدها الملواد

افي والما في الم مراع من الطور إن الطور . بالوراقة الأمالية ارافع مرام (بالود) ، وهو يطابق الما المرا - حكم الحرافي ، القرا الطائرة ، أو المعراقين

ر متم در امر مدربا فرد مراس کیدرمایا آن دخلت ک رافته باک ترقی در فرد امتران در مراب فصرت تم بر محمد را با مشاور راود امتران د افر داد داد داده .

در مازات القبار الشعبة ، الأخرية ياطوه ، ويأشب أدار حجر الطق العائل ، ويسلد ميا القبود ق طرحة المعاشدة ، والمقبوة قبر الهجر ، فلك ماج عامره ال مسكان ... مثال حبث ا ، إلى مرافز مسائل ، أساد العراقي

١ ــ ق قب اللهب

مرادر الرساد المشاهدة والمول ومولون والراهد والمصاحد واستال الملا مرافق والراهد والمصاحد واستال الملا مرافق

در ورد این مهرد در هرید را در پیشر رداد - مادم اشیر فریدرایهای مشدم رازهای اخیره کریا ، ششد سم ضور ، می ایند افراد

امره فتراد الله بمر طور ، في فيد الراد مكار الامراد ، في سرطبار بق و وي مر إمار أول ، مرادات و القريمية عيسونه عادت الأمرة المرادة الما

Last payer (registration of the contract of th

وطب حرة قدامار وفر سطره بديات قاد كاد حدما النوا ها . فرناسي

...

المرازيون (رمونات) درايت كالماري بيان الدرو والانتجازي برودي ما ماديد والانتجازي برود كالا

رد به داره وادر ، واکار شادیان ماه ملک البیماد رد

ر مطرع ارتباعی بنی از آمطر آزادری و املا آن کید بدرت فی حاصی ادراه داشته افزاد بی جهاها دراه و این با حضریه صور توساد با فرمود به مدارج در داشته فعال

spire (B) yills



ر وجستان ادر بها الخبا دار الد وجهام العب من جهاد مثلة دار الا جهار (كمان) في مثلاً رساع مطابق براد الا أن ا

مدر کهم یای شکا سرخ مطابق براد او آن ۱ مارید و از برکی دار مراک سرخ این اطاق دسیان ایران همین ۱۶ وری دعهی از ماه اطاق سران ایران همین ۱۶ برای سرخ ایران ایران او شکا فرون اکمی ایران و از در

المهدور ويسودون الرافار برامز م رعم الماد الدور المستدال الا على الرادو الرادة الرادة الماد براد ماد الرادة الرادة الماد برادة الدورة الرادة الرادة

ب و الكان ما الرابط المساعد الحال الرابط المرابط الرابط المرابط الرابط المرابط الرابط الرابط

AND THE COLUMN

هدر آن وادر باحيد روو يفقي سافت خور قرمه راج اجدر آمر پارشده افر مسام گرفید قرم سرس آمد فوره وقد مطاحتها راز برخان رواز و سر راق مردان آخر داد با

سخان به سخ الله المشار طاهرو و لاي لف نه مهاش بهام داملا المراجع في لايتراما ؟ خرد و آممو رسم و درم بقراران مراما مراح الله فيلي مها آمرون الرافط تفسير لذا . نامر دار الرافز و الرامكان ما دار الرافز و الرامكان

مدر او جدا و ادعام - اداد اور از مصر احدر امر بالا مر - مر اگ افتار ار حدد و مر بطران مدارین

14

را المحافظ المراقب المراقب الوقوا والمحافظ المراقب ال

- از از آنان باسد به از تان فیور سن الاسه در داخرد را پایدنواشوری الاسه در در در در در دادر الاسلامی با الله در در در در دادر الاسلامی با الله در در در در دادر

11





امار طور و الوداد و طو الوجع بالراقات برسالت ردهه عدم الهر والراوة داق ميد اللسار رحدق الماها مارها دائيا

.. ۱۲۰ مولد آمادهای به پاسمبر و کلمو ی ۱

هد جندن النجر وال صرف، وهو بادرات ربان عرفس ادراسق * الندخل ورحد والات دراس مران العديس عال بدران والقرائد و الاتجار

وط 11 وه و آمدر یک فات وی اور دارد می ترجا + من امریا واد > در رحا می و تاوماد باز درارا - یعی جف ودمی ادارا در انواز اشارا

، وه دبي ادام از اين از التار است. هايا و العدول خرم . فروحه دبياران ورجها حصره غرامة واستدال

لوجيديووسيليد واستحداده الحرواده وماد وزوجه والاستكانات جوز الحراء ماه مهما هي الحد هيم الوج الرب

...

A_5x

الاطار ادراله الم يساد الدول بالواقف الاطار طالباً وطالباً الاطارات : حاص عال إساق أمرير للسطا الأدراد عاص عاقل لامل ، والسر عن الطوق الاداما : الإداري

البدهديدو الازد تفارتشور البرج والده والأهال. إذ

الآثان طبرة أو عبالا با إشعبر : كان دونا عائلا سجاعا الإماميلا والاعان هم الك الزعجة دعب مركا

اخرج ، ونهروا ماهد الرشاعة الرائط

ارتگا بهر دارد ، حي اطلب انتدر داديد بداخ رحال آلويد اکبر خارد الاستار ايد رانطرس داخيان سناسه از دورد استان اي ديد اور اد در طال داد الدرد الاستان الدرد

ردای بلواندی دوم ردد بادر: - باکد در بدری را زادم را افسار جاتانیه: بادر بادن افسار در زبایان افسار دوم

و به پارتان ۱۰ ایک و مامک از طی فرطون مان تام مایشی فام را آمو و مرحاله و اطاراتر مسلمه و دامین

بأخد ألد فن رمامات والمياد رمال لايا المعطود فراندار فالدالات المجارة في مقال المعارد فراندار فالدالات المجارة في مقال

خاج اداب عدمه قراط الایالت رحامدان سالان الزجال الزارة هی داب راحد بالدرانات او برای کراد از قفها داداب استراد اصدار



to did not to be did not that to I division and a restly

الراد الالاسم الوسميدية ٩ من

باد مثر الدان القرار ويقر مها مه الوحد وقت معلى بهمه و درماد الدان الاراد ، قر الدان ومن أم الوحد الوالية الدان الوحد المواركة المحدد الدان والدان الماركة في مناطق الدان والدان والدان والدان الاراد الاراد الماركة الدان والدان والدان والدان الاراد الاراد الاراد الدان الدان الدان الدان الاراد الدان الاراد الدان الاراد الدان الدان

ŕ

4 سان (اق) محمد سانا مرط

محاف مساقا مرحا على طاع التحويل المشاطعين و «المحورات أرادان وإن والإنجام المساحات والمسادمة عند التحقيم والتحويل والموارس والإن والمرافق المرافق المرافقة والتحويل والمقارض من والإن والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمسادمة وال

راد دوانوس والوات ويهرو المورد بعق المعم باسطح الله دوانها الم هدا يقال درافق فقت الأفراد الأوراد والمدارات ال والديني دريت ما هور الأرساد والمدارات الماميات درافود ياهم على الشيطات والقادة الماميات الماميات

ويربون مرسل وموافره والمراج والمات

المهاد و الرحم المهاد و المها

د العقد الآلا درمانيد، من كل الطفاق. القلب قباد فالركار ، والعلم، والل مردة ، على قبل إلى فراصيان ، فرماند في هي در على العند الركبير مكان رفيغ و

سور العمر إلى مخاور إلى روم وفي المحار في الم

ر از المراز بصر فرنا والقور واحد باز الآل اداکار الله المراز والم القرر وادار مد وداد (فادر در راب حد قور در الرائب و القراز (فادر داد حاد ، وار فرد

د من خر پرخوندی مروق و خط در مهانمیاد خدر ، رمر طرق آرما ، ط

صرح را مها مصره احتال د وقر فارد وقت الله محف الاراد والدارج و محال عرب أداع الله أنظر الله الوحا اللهاك . و محال ما الدين

ش وهدر با را می مسکار می و جرهان - مساوه چه ، فرانش آمرد مق معرکتر شاون مساوه چه ، فرانش آمرد مق معرکتر شاون

د وافرادالله السكيلة با صريد الد وافراد و الدران و ميماراد دووا و الدران و ما را الدران و الدران و راحاد ما د اكد واحد " و أصاده " او أماده روم الآن والا الدوان المكامات بعضان و ادوا والدوان المكامات

> ام الديا الله الذي الجديد ما حاك. . الما

ستانا فضاید را قرمادی ا خدر آمور ماجه فرمان ، در قرآن استانا با چرجانانی امراس افرانا فر واد مرد را در زیمان مودیم رو خانا مرد راحدی و مردخان ساستانان و مردخان

ر حدة الحدودات المداوات المائين القرار أعلى يعمره ، وعزيان الدائية إعداد الروائية المراكبة وعالى الم المراكبة ، والمحافظة المساور المائية المراكبة المراكبة

...

.

